

روابط عربستان سعودی و مصر

علی اکبر اسدی*



روابط عربستان سعودی و مصر در طول چند سال گذشته با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه شده است. با توجه به اینکه چگونگی این روابط بر بسیاری از معادلات و بحران‌های منطقه‌ای تأثیرگذار است، فراز و نشیب‌های روابط و پیچیدگی‌های موجود تصویر مبهم و نامطمئنی را در خصوص روابط دو کشور در آینده ایجاد کرده است. در حالی که سفر ملک سلمان پادشاه عربستان به مصر در ماه آوریل ۲۰۱۶ و انعقاد توافقنامه‌های همکاری متعدد بین دو کشور نویددهنده ارتقا جدی روابط و عبور از برخی اختلافات گذشته بود، تنش‌های اخیر در روابط قاهره و ریاض بار دیگر پرسش‌ها و تردیدهای مختلفی را در مورد آینده روابط دو

* پژوهشگر مطالعات خاورمیانه مرکز تحقیقات استراتژیک

کشور مطرح ساخته است. تنش‌هایی که بعد از رای مثبت مصر به قطعنامه روسیه در شورای امنیت در خصوص سوریه در اکتبر ۲۰۱۶ آغاز شد و با واکنش‌های انتقادی و عملی ریاض به اوج خود رسید. در حالی که اختلافات پنهان بسیاری روابط ریاض و قاهره را متاثر ساخته است، در این دوره این اختلافات به صورت علنی بیان شد و واکنش‌های رسمی را در دو طرف در پی داشت. در این رخداد مقامات سعودی اقدام مصر در دادن رای مثبت به قطعنامه روسیه در مورد سوریه را دردناک و در تضاد با منافع امت عربی خواندند و همچنین شرکت آرامکو سعودی قطع کمک‌های نفتی به مصر را اعلام کرد. در مقابل مصری‌ها به داشتن سیاست مستقل منطقه‌ای و حمایت از ثبات و امنیت منطقه‌ای با تاکید بر لزوم مقابله با گروه‌های تروریستی و مسلح را مورد تاکید قرار دادند. با توجه به این مهم در این نوشتار ضمن اشاره به جایگاه و نگاه دو کشور در روابط و همچنین تبیین مسائل اصلی در روابط دو طرف تلاش خواهیم کرد تا دورنمای روابط دو کشور را مورد واکاوی قرار دهیم.

عربستان سعودی و مصر را می‌توان به عنوان دو بازیگر کلیدی در جهان عرب و غرب آسیا برشمرد که روابط آنها بر بسیاری از بحران‌ها و به خصوص موازنه قدرت در منطقه تاثیرگذاری بالایی دارد. در شرایط کنونی در حالی که مصر به رغم پیشینه و جایگاه تاریخی خود در جهان عرب با بحران‌ها و مشکلات جدی روبروست، عربستان سعودی در حال ایفای نقش برتر در میان کشورهای عربی است. نقش آفرینی مصر در سطح منطقه مرهون جایگاه تاریخی این کشور در جهان عرب، ظرفیت‌های فرهنگی و مذهبی مصر، ویژگی‌های ژئوپلیتیک و پتانسیل جمعیتی و همچنین قدرت نظامی این کشور است. با این حال قاهره با چالش‌ها و مسائل مختلف داخلی روبروست که نقش آفرینی مطلوب و حداکثری آن در منطقه را متاثر می‌سازد. بحران اقتصادی را می‌توان اصلی‌ترین مشکل مصر دانست. با این حال بحران‌ها و چالش‌های سیاسی مانند درگیری نظام با اخوانی‌ها یا مشکلات امنیتی به خصوص در سینا از معضلات مهم درونی این کشور هستند. مجموعه بحران‌ها و معضلاتی که نقش آفرینی منطقه‌ای و روابط مصر با بازیگران

منطقه‌ای را به عنوان محدودیت‌های جدی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در مقابل عربستان سعودی منبع اصلی قدرت خود را توانمندی‌های مالی و اقتصادی و تا حدی ایدئولوژی وهابی قرار داده است. ضمن اینکه روابط و پیوندهای منطقه‌ای و بین‌المللی ریاض را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. در واقع عربستان سعودی در شرایطی که اغلب قدرت‌های تاریخی در جهان عرب مانند مصر، عراق و سوریه با بحران‌هایی جدی روبرو هستند، سعی دارد با بهره‌گیری از منابع مالی و اقتصادی خود خلا قدرت در جهان عرب را پر کند و نقش رهبری اعراب را بر عهده بگیرد. اما به رغم موفقیت‌های مقطعی عربستان و تلاش‌های آن برای توسعه نفوذ در منطقه این اعتقاد وجود دارد که عربستان فاقد برخی ظرفیت‌های نرم و سخت مانند جایگاه تاریخی عربی و ظرفیت‌های فرهنگی و ظرفیت نظامی مستقل و خوداتکا برای پیشبرد طرح رهبری خود در جهان عرب است.

با توجه به مولفه‌های فوق عربستان و مصر با برخی همپوشانی‌ها و برخی تناقض‌ها در تعاملات با یکدیگر روبرو می‌شوند که باعث فراز و نشیب‌ها و پیچیدگی‌های جدی در روابط دو طرف شده است. در این چهارچوب برای مصر بهره‌گیری از منابع و ظرفیت‌های اقتصادی و مالی عربستان برای حل و فصل یا کمک به کاهش چالش‌های اقتصادی داخلی خود اهمیت بالایی می‌یابد و برای سعودی‌ها نیز تنظیم سیاست خارجی قاهره برای پیشبرد طرح رهبری عربستان در جهان عرب بسیار مهم تلقی می‌شود. بر این اساس معادله دو بعدی اعطای کمک‌های اقتصادی در مقابل همراهی منطقه‌ای به وجه غالب روابط مصر و عربستان تبدیل شده است. اما فراز و فرودها و تنش‌های روابط نشان می‌دهد که این معادله با تناقض‌ها و مشکلات مهمی روبروست که مانع از تثبیت و تداوم دائمی آن می‌شود. این تناقض‌ها و مشکلات را می‌توان ناشی از حاکمیت مصالح و منافع آنی و کوتاه مدت در روابط و کنار گذاشتن یا کوچک‌انگاری مصالح نگرش‌های راهبردی در روابط دانست. افراط‌گرایی و تروریسم، رهبری جهان عرب و نظم منطقه‌ای در غرب آسیا را می‌توان به عنوان سه مساله راهبردی و

کلیدی دانست که دو کشور در خصوص آنها اختلافات عمیق و اساسی دارند. در خصوص مساله نخست، عربستان در طول دهه‌های متمادی به ترویج ایدئولوژی وهابی و ایجاد و حمایت از گروه‌های اسلامگرای افراطی و تکفیری پرداخته است و هم اکنون نیز این مساله یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی عربستان را تشکیل می‌دهد. در مقابل مصر شکل‌گیری و توسعه قدرت گروه‌های اسلامگرا و افراطی از اخوانی‌ها گرفته تا القاعده و داعش را به عنوان تهدیدی کلیدی برای امنیت ملی خود و امنیت منطقه‌ای محسوب می‌کند و حاضر به همکاری جدی با عربستان یا نادیده انگاری سیاست‌های عربستان در این موضوع نیست. در این راستا در حالی که عربستان برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای خود و تضعیف یا تغییر رژیم در عراق و سوریه به حمایت از جریان‌های افراط‌گرا می‌پردازد، مصر همکاری با دولتهای عراق و سوریه و حمایت از آنها در مقابله گروه‌های تروریستی را در دستور کار خود قرار داده است.

در مورد رهبری جهان عرب، پیشینه تاریخی دو کشور در این خصوص، ظرفیت‌های متفاوت و ضرورت‌های کنونی باعث بروز دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوتی شده است. از منظر تاریخی عربستان سعودی کشوری محافظه‌کار و طرفدار وضع موجود و مخالف یا حداقل بی‌ارتباط با ایده عربیت به عنوان ایدئولوژی انقلابی بوده است. در مقابل مصر از پیش‌تازان و حامیان اصلی پان‌عرب‌بسم در منطقه بوده و در دوره‌های مختلف به خصوص در دوره ناصر مدعی اصلی رهبری جهان عرب بوده است. به لحاظ ظرفیت‌ها در حالی که مصر از ظرفیت‌های فکری- فرهنگی و نظامی مناسبی برای رهبری جهان عرب برخوردار است، به لحاظ اقتصادی و تا حدی سیاسی با مشکلات قابل توجهی روبروست. از سوی دیگر عربستان با وجود پتانسیل‌های اقتصادی و سیاسی به لحاظ فکری- فرهنگی و تا حدی نظامی با چالش‌های جدی برای رهبری متداوم جهان عرب روبروست. نکته مهم اینکه خلا قدرت و بحران در کشورهای مهم عربی فضای قابل توجهی برای ادعای رهبری جهان عرب از سوی عربستان ایجاد کرده و در مقابل مشکلات و بحران‌های داخلی مصر مانع از حرکت قاهره به

سمت رهبری عربی شده است. در چنین شرایطی در حالی که ریاض سعی دارد رهبری خود در جهان عرب را با تکیه بر پتانسیل‌های موجود و بهره‌گیری از فرصت‌های کنونی تثبیت کند، مصر نیز حداقل به دنبال استقلال در سیاست منطقه‌ای بوده و حاضر به همراهی با ریاض در تمامی مسائل منطقه نیست. بر این اساس است که السیسی در برابر انتقادات سعودی‌ها در خصوص رای به قطعنامه روسیه در شورای امنیت عنوان می‌کند که مصر جز در برابر خداوند خم نمی‌شود و سیاست مستقلی دارد که هدف آن تحقق امنیت قومی عربی است.

در مورد نظم منطقه‌ای عربستان سعودی در پی شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای دو قطبی با بزرگنمایی تهدید ایران و محور مقاومت و تشدید و برجسته کردن مناقشات مذهبی و طائفی شیعی - سنی در منطقه است. شکل‌دهی به نظام دو قطبی غیرمنعطف در منطقه از سوی عربستان در سال‌های اخیر با برخی تلاش‌ها و سیاست‌ها قابل شناسایی است که عمده‌ترین آنها عبارتند از: جبهه‌بندی در برابر متحدین و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در تمام حوزه‌های منطقه‌ای؛ تلاش برای تضعیف یا تغییر نظام‌های سیاسی متحد ایران در منطقه مانند عراق و سوریه؛ تشدید تنش‌های مذهبی شیعی - سنی در منطقه؛ تلاش برای ایجاد ائتلاف منطقه‌ای گسترده سنی - عربی در برابر ایران و محور مقاومت از ترکیه تا مصر و حوزه خلیج فارس؛ تلاش برای نزدیکی به رژیم صهیونیستی و همکاری با تل‌آویو در برابر ایران. در حالی که نظام منطقه‌ای دو قطبی غیرمنعطف به نحو قابل توجهی در راستای منافع امنیتی و رهبری منطقه‌ای عربستان سعودی قرار دارد، این نوع نظام ضمن ایجاد تهدیداتی برای امنیت ملی مصر، نقش‌آفرینی و قدرت منطقه‌ای آن را نیز کاهش می‌دهد. چرا که اولاً مصر همانند عربستان ایران را به عنوان تهدیدی اساسی برای خود تلقی نمی‌کند، ثانیاً دو قطبی شدن منطقه و افزایش تنش‌های مذهبی و افراط‌گرایی را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند و ثالثاً معتقد است نظم منطقه‌ای متکثر و چند قطبی فضای بیشتری را برای نقش‌آفرینی این کشور و تداوم روابط با دولت‌های مختلف از جمله عراق و سوریه ایجاد می‌کند.

با توجه به شرایط کنونی منطقه‌ای و متغیرهای تاثیرگذار در سیاست خارجی عربستان و مصر و روابط این دو کشور می‌توان چهار دورنمای بدیل در روابط مصر و عربستان را شامل اتحاد استراتژیک، رقابت استراتژیک، رقابت و همکاری و منازعه و خصومت دانست. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که حالت سوم یعنی رقابت و همکاری توأمان دو کشور از احتمال بیشتری برای وقوع در طول سال‌های پیش رو برخوردار است. در واقع مقومات و بسترهای روابط دو کشور احتمال وقوع سه حالت دیگر را تا حد زیادی اندک نشان می‌دهد و همکاری و رقابت را به گزینه‌ای ضروری و منطقی‌تر تبدیل می‌کند.

از آنجایی که قاهره و ریاض فاقد نگاه راهبردی مشترک در بسیاری از موضوعات مهم بوده و روابط خود را بر پایه مصالح آنی و ضرورت‌های موجود بنا کرده‌اند، همان گونه که تنش‌های مختلف در روابط نیز نشان می‌دهد ورود دو کشور به اتحاد استراتژیک بعید به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه در حالی که بحران‌های سوریه و یمن به عنوان دو حوزه اصلی سیاست خارجی سعودی محسوب می‌شود، قاهره از همراهی کامل با عربستان در این حوزه‌ها خودداری کرده است. خصومت و منازعه نیز نیازمند تقابل جدی منافع و تهدیدهای امنیتی دو طرفه است که در شرایط کنونی روابط مصر و عربستان محل اعراب چندانی ندارد. رقابت استراتژیک نیز مستلزم این است که هر دو کشور واجد ظرفیتهای کاملی برای دست‌یابی به رهبری و هدایت ائتلاف منطقه‌ای و موازنه‌ساز متقابل باشند. اما در حال حاضر مصر فاقد چنین ظرفیت‌هایی است و با بحران‌های متعدد به خصوص مشکلات اقتصادی روبرو است. لذا رقابت و همکاری به عنوان حالتی است که از احتمال وقوع بیشتری در روابط برخوردار است. همکاری عربستان و مصر ناشی از ضرورت‌ها و نیازهای دو طرف در برخی حوزه‌ها و بالا بودن هزینه هرگونه رویارویی برای دو کشور است. لذا انتظار می‌رود به رغم تنش‌ها و انتقادات دو طرف و فراز و فرودهای مختلف همکاری‌های دو طرف ولو به صورت نسبی ادامه یابد. با این حال رقابت‌ها و اختلاف نظرهای مهم بین دو کشور در حوزه‌های راهبردی همچنان پابرجا خواهد بود.